

مقایسه تطبیقی مبانی روان‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و درمان وجودی^۱

عاطفه عبدی لیفکوئی^۲

فتانه منصوری جمشیدی^۳

چکیده

درمان وجودی، فلسفه‌ای در مورد روان‌درمانی است؛ وجودنگری، نظریه‌ی حدوداً جامع در مورد وجود است که به افراد در تمام سطوح عملکرد شخصی‌شان مربوط می‌شود. درمان وجودی، در هر چیزی که انسان‌ها با آن سروکار دارند، جایی برای سخن‌گفتن دارد؛ آموزش و پرورش نیز، از جمله از مهم‌ترین نهادی است که تمامی افراد جامعه، به‌نوعی با آن سروکار خواهند داشت؛ از سویی دیگر تدوین مبانی نظری سند تحول بنیادین یکی از اقدامات مهمی است که در طی سال‌های اخیر، توسط وزارت آموزش و پرورش صورت پذیرفته است؛ یکی از این مبانی، مبانی روان‌شناختی است؛ لذا بررسی مبانی روان‌شناختی آن که نقش ویژه‌ای در روشن‌سازی تصویر حیات آدمی دارد، دارای اهمیت است. پژوهش حاضر که به بررسی تطبیقی مبانی روان‌شناختی تربیت رسمی و عمومی از منظر رویکرد وجودی می‌پردازد، به شیوه‌ی روش تحقیق تطبیقی بردی، به بررسی وجوه مشترک و متفاوت میان مبانی روان‌شناختی تربیت رسمی و عمومی و رویکرد وجودی پرداخته است. بررسی‌ها نشان می‌دهند که شباهت‌هایی میان این دو دیدگاه وجود دارد؛ از جمله اینکه در هر دو دیدگاه، تعاملات درونی و بیرونی فرد، جزو جدایی‌ناپذیر زندگی انسان‌هاست. همچنین اینکه افراد ضمن بی‌همتا بودن، در قبال انتخاب‌های خود مسئولیت‌اند. اما در مقابل، وجوه افتراقی چون تفاوت در نگاه به غایب انسان، تفاوت در نگاه به رشد افراد، تعارض در توجه به افراد با توانایی خاص و نوع نگاه به انگیزش، در این دو دیدگاه به‌خوبی مشهود است. در این راستا، نتایج

۱. تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹

تأیید نهایی: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸

۲. دبیر آموزش و پرورش، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Abdiatefeh619@gmail.com

۳. دکترای تخصصی زبان و ادبیات عرب، دانشگاه فرهنگیان استان تهران، مرکز آموزش عالی شهید باهنر

این قبیل مطالعات که به تطبیق اسناد بالادستی آموزش و پرورش با نظریه‌های شاخص روان‌درمانی می‌توانند در ارزیابی و بازنگری مبانی تربیت روان‌شناختی سند تحول بنیادین بر اساس آرای نظریات روان‌درمانی از قبیل وجودی، و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن، مورد بهره‌برداری قرار گیرند و افق‌های تازه‌ای را پیش‌روی صاحب‌نظران تعلیم و تربیت قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: تربیت رسمی و عمومی، سند تحول بنیادین، مبانی روان‌شناختی، درمان وجودی.

۱. مقدمه

بنا بر گزارش یونسکو^۱ (۲۰۲۰) در حالی که جهان معاصر به طور فزاینده‌ای به سمت نقض حقوق بشر، نابرابری و فقر در حال حرکت است، صلح و امنیت پایدار در سطح جهانی مورد تهدید جدی قرار گرفته است. سازمان آموزشی علمی و فرهنگی سازمان ملل (یونسکو)، آموزش شهروندی جهانی^۲ را از طریق نظام‌های آموزشی دنیا برای پاسخ به این چالش به منظور ایجاد دهکده جهانی امن و پایدار پیشنهاد می‌دهد (نانکی و همکاران، ۲۱۶: ۱۴۰۰). در همین راستا روان آدمی، همواره یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین مفهومی در تعلیم و تربیت، محسوب می‌شود؛ بنابراین افراد سالم مستحق داشتن زندگی سالم و به مراتب نظام آموزشی سالم‌اند؛ لذا پس از خانواده، مدرسه به عنوان خانه دوم دانش‌آموزان، مسئول سلامت روان و وجود نسل آینده است. به همین خاطر است که مدرسه و محیط‌های آموزشی همواره مورد توجه اندیشمندان حوزه سلامت روان بوده‌اند. موضوع روان سالم دانش‌آموزان در دیدگاه صاحب‌نظران دارای اهمیت فراوانی است؛ به عنوان مثال، «رسیدن به اهداف آموزشی که مدارس به عنوان اهداف اساسی خود، به آن‌ها توجه دارند مستلزم تأمین بهداشت روانی دانش‌آموزان است» (شاملو، ۱۳۹۰). علاوه بر آن، سلامت روانی دانش‌آموزان با پیشرفت تحصیلی، رفتار سالم و پرهیز از رفتارهای پرخطر و... در آن‌ها رابطه مستقیمی دارد. در میان اسناد بالادستی، در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مبانی نظری این سند ارزش خاصی را برای سلامت روان دانش‌آموزان به عنوان نسل آینده جامعه قائل شده است؛ در این میان جایگاه ویژه‌ای را به مبانی روان‌شناختی اختصاص داده و آن را «به سبب شمول نسبت به گروه ویژه‌ای از مخاطبان در دوره رشدی خاص، همواره مورد امتناع قرار داده است» (وزارت آموزش و پرورش، ۲۱۷: ۱۳۹۰)؛ لذا در مبانی روان‌شناختی^۳ این سند، همواره، تحولات وجودی فراگیران، عامل مهمی در جهت افزایش انگیزش و یادگیری دانش‌آموزان محسوب می‌شود. در علم روان‌شناسی نیز توجه به سلامت روان به طور خاص اهمیت بخصوصی دارد؛ لذا می‌توان با مطالعه دقیق میان مبانی روان‌شناختی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و انواع

1. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)
 2. global citizenship education
 3. Psychological principles

درمان‌های روان‌شناختی در نظریات روان‌درمانی، به وجوه اشتراک این دو پی برد. در این عرصه، درمان وجودی^۱ از جمله رویکردهای روان‌درمانی است که علاوه بر اینکه برای تمامی گروه‌های سنی مناسب است، سازندگی و سلامت فرد را در وجود اصیل وی می‌بیند. «بهترین گزینه، اصیل بودن است. وجود اصیل، گشودگی به طبیعت، به دیگران، و به خودمان را به همراه دارد» (پروچسکا، ، ۱۳۹۹: ۱۵۹). درمان وجودگر^۲ رمز موفقیت فرد را در اصالت وجود و مسئولیت‌پذیری وی می‌دانستند: «بر اساس این رویکرد، مسئولیت انتخاب، برای خلق معنا در زندگی، یکی از دارایی انسان است» (گلادینگ^۳، ۱۴۰۰: ۲۲۱). همچنین این رویکرد از جمله رویکردهای درمانی محسوب می‌شود که بر منحصر بودن همه افراد تأکید دارد. حال باتوجه به گسترش روزافزون اطلاعات و به دلیل اینکه دانش‌آموزان گوناگون با تفاوت‌های روان‌شناختی، وارد چرخهٔ تعلیم و تربیت می‌شوند، برقراری عدالت در میان آنان، در کلاس درس و مدرسه، مستلزم فهم عمیق تفاوت‌های روانی آنان و اثرات این ویژگی‌ها بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی‌شان است. به گونه‌ای که دانش‌آموزانی که به نحوی از مشکلات سلامت روانی رنج می‌برند اغلب با افت تحصیلی درگیر هستند؛ لذا همواره هر نظام تعلیم و تربیتی در تلاش است تا دانش‌آموزانی سالم و صالح تربیت نماید؛ لذا پژوهش حاضر با در نظر گرفتن نقاط مشترک میان درمان وجودی و مؤلفه‌ها و مبانی روان‌شناختی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، با هدف مقایسه تطبیقی میان این دو، صورت پذیرفته است. در این میان یکی از ابزارهای مهمی که برای حل این مسائل و مشکلات، می‌توان بکار برد، آشنایی با مبانی روان‌شناختی سند تحول بنیادین، از دیدگاه صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان حوزهٔ روان‌شناسی است که همواره سلامت روان و اهمیت به وجود آدمیان را، مهم‌ترین عامل در رشد و تکوین شخصیت فرد دانسته‌اند؛ فاصله اضافی زیاد است که از جملهٔ این نظریات، درمان وجودی است؛ بنابراین، مطالعهٔ تطبیقی مبانی روان‌شناختی سند تحول بنیادین و درمان وجودی می‌تواند، نقشهٔ راه جامع و منسجمی را در حوزهٔ آموزش و پرورش، در تفهیم تفاوت‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان، اصالت وجودشان و در نهایت داشتن جامعه‌ای سالم و در راستای اهداف سند تحول بنیادین فراهم نماید. حال سؤال اصلی این است که «رابطه مبانی روان‌شناختی سند

1. Existential therapy
2. Prochaska
3. Existential therapists
4. Samuel Gladding

تحول بنیادین و درمان وجودی به چه شکلی است؟» همچنین سؤالات دیگر این پژوهش عبارت‌اند از: کدام مؤلفه از مبانی روان‌شناختی سند تحول بنیادین منطبق با درمان وجودی است؟ چه وجوه افتراقی میان مبانی روان‌شناختی سند تحول بنیادین و درمان وجودی وجود دارد؟ در خصوص پیشینه پژوهش؛ طبق بررسی‌های صورت‌گرفته از جانب نویسندگان، تاکنون پژوهشی عیناً و صراحتاً به مطالعه تطبیقی میان مبانی نظری سند تحول بنیادین و رویکردهای روان‌شناسی چون درمان وجودی، نپرداخته است. با این وجود پژوهش‌هایی در زمینه سند تحول بنیادین و مبانی نظری آن انجام شده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: نانکی، میرزامحمدی و ایمانی (۱۴۰۰) در پژوهش خود با عنوان «تبیین تربیت اجتماعی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و تحلیل آن بر اساس نظریه تربیت اجتماعی فارابی» با هدف تبیین تربیت اجتماعی مورد نظر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران و تحلیل آن بر اساس اندیشه‌های تربیتی در تربیت اجتماعی صورت پذیرفت؛ نتایج حاصله از پژوهش حاکی از آن است که تربیت اجتماعی در سند، مبتنی بر کسب شایستگی‌هایی بر اساس نظام معیار اسلامی است که متریبان را قادر می‌سازد برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه در اجتماع و جامعه صالح، ارتباطات مناسب و سازنده‌ای با دنیای پیرامون خود داشته باشند؛ اما در دیدگاه فارابی، بیشتر تربیت اجتماعی مبتنی بر کسب توانمندی‌ها بر اساس نظام معیار عقلانی است که متریبان را قادر می‌سازد برای دستیابی به سعادت غایی در مدینه فاضله، تحت نظر رئیس مدینه تربیت شوند و از طریق تعاون در آن مدینه به سعادت حقیقی نایل آیند. همچنین باقری، کیایی و حسینی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «ساختار وجودی انسان در قرآن و کاربرد آن در ساحات تربیتی مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» باهدف کاربردی کردن ساحات تربیتی با تطبیق بر نقشه انسان در قرآن پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش حکایت از آن دارد که دستیابی به اهداف هر یک از ساحات تربیتی، وابسته به در نظر گرفتن تعالی، توسعه و رشد متریبان در ساختارهای وجودی مرتبط با آن در نقشه انسان در قرآن است که در قالب الگوهای مجزا ارائه شد و آن نظام معیاری کاربردی را در جهت تحقق حیات طیبه در اختیار مربیان و متریبان قرار می‌دهد. صحرانشین، هاشمی، قلتاش و رنجبر (۱۳۹۹) پژوهشی را با عنوان «تبیین مبانی تربیت سیاسی - اجتماعی سند تحول بنیادین در اندیشه‌های دیویی و مطهری به منظور تدوین الگوی شهروندی برای آموزش و پرورش» انجام دادند. یافته‌ها نشان داد که اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی

مطهری و جان دیویی دلالت‌های مهمی در تدوین الگوی شهروندی برای آموزش و پرورش دارد. یوسف‌زاده چوسری و شاه‌ماهی (۱۳۹۹) پژوهشی را با عنوان «ارائه مدل برنامه درسی تربیت سیاسی بر اساس ساحت تربیت اجتماعی - سیاسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول» انجام دادند. یافته‌ها نشان داد مبانی فلسفی برنامه درسی، تربیت سیاسی - اجتماعی رئالیسم اسلامی و ساختار مفهومی برنامه درسی تربیت سیاسی - اجتماعی شامل عدالت، عزتمندی، قانون‌مداری، انتخاب، مسئولیت‌پذیری، شناسایی وظایف نهادهای سیاسی، مشارکت و میهن‌دوستی در تربیت سیاسی، تفسیری و انتقادی است. تیمور پور، انصاری و رضازاده بهادران (۱۳۹۶) در مقاله پژوهشی با عنوان «مقایسه تطبیقی مؤلفه‌های انسان‌شناسی از دیدگاه فارابی و سند تحول بنیادین» به تحلیل مبانی انسان‌شناختی فارابی به منظور تبیین دلالت‌های ضمنی آن در سند تحول بنیادین پرداخته‌اند. با توجه به یافته‌های محقق در راستای مؤلفه‌های نظام تربیتی فارابی در موارد سعادت، اخلاق، عدالت، حکمت، محبت، تعاون و دوستی مدنی، مطابق با یافته‌های انسان‌شناسی سند تحول بنیادین است. امام‌جمعه و رضایی (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «مقایسه مبانی انسان‌شناسی سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران با دیدگاه پست‌مدرنیسم»، با هدف ارائه برخی از ویژگی‌های مهم مبانی انسان‌شناسی از منظر سند تحول بنیادین انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در سند تحول بنیادین، انسان مسافری است غایت‌مند که سفرش را از خاک آغاز نموده است و لحظه‌به‌لحظه با شوری وصف‌ناپذیر به سمت غایت خود حرکت می‌کند. از منظر پست‌مدرن انسان موجودی بالفعل ولی در سند تحول بنیادین بالقوه است و به شرایطی لازم دارد تا استعدادها و فطرت او شکوفا شود. نعمتی و محمدی (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «بررسی تطبیقی تربیت اسلامی و مبانی نظری سند تحول بنیادین جمهوری اسلامی ایران»، به بررسی تطبیقی تربیت اسلامی و سند تحول بنیادین جمهوری اسلامی ایران پرداختند؛ نتایج بررسی نشان داد که در بسیاری از زمینه‌ها در سند تحول به صورت نظری تعالیم اسلامی در نظر گرفته شده است و با آن‌ها انطباق دارد؛ ولی در زمینه عملی نیازمند همکاری بیشتر اساتید و متصدیان تعلیم و تربیت است تا این سند به صورت مطلوب عملیاتی گردد. صادق‌زاده قمصری و رضانی (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «بررسی تطبیقی اهداف تربیتی از دیدگاه برزینکا و مبانی سند تحول بنیادین نظام تربیتی جمهوری اسلامی ایران»، به بررسی دیدگاه برزینکا در زمینه اهداف تربیت و

بازیابی شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها پرداخته‌اند. نتایج پژوهش بیانگر این است که شباهت‌هایی در دیدگاه‌های برزینکا و مبانی سند تحول در زمینه اهداف آموزشی وجود دارد؛ از جمله این که در هر دو مورد، فرد و جمع مورد توجه هستند، اهداف تربیتی با سایر ابعاد اجتماع مرتبط است، جنبه‌های مختلف تربیت مورد توجه قرار گرفته است، و بهبود شخصیت فرد مورد نظر است؛ تفاوت‌هایی نیز همچون تفاوت در توجه به بعد مذهبی اهداف تربیت، تفاوت در میزان تأکید بر فرد و اجتماع، تفاوت در میزان تأکید بر انتخابی یا الزامی بودن اهداف تربیت، و تفاوت در توجه به بعد زیبایی‌شناختی تربیت به چشم می‌خورد. با توجه به پیشینه پژوهشی ذکر شده، پژوهش حاضر در زمره اولین تحقیقات تطبیقی است که به بررسی و واکاوی مبانی روان‌شناختی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از دیدگاه نظریات روان‌درمانی چون رویکرد وجودی می‌پردازد؛ و تاکنون پژوهشی در خصوص مطالعه مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از این منظر صورت نگرفته است و این می‌تواند جهت بدیع و خلاقانه پژوهش حاضر محسوب گردد.

۱.۱. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، از روش تحقیقی تحت عنوان، «روش تحقیق تطبیقی بردی»^۱ استفاده شده است. این روش برگرفته از مطالعه تطبیقی جرج بردی، اهل کشور لهستان است که پس از سال‌ها تحقیق و پژوهش در حوزه آموزش و پرورش تطبیقی و نگارش مقالات بسیاری در این زمینه، شیوه تحقیقات تطبیقی تبیین کرده است (زندگی و فراهانی، ۱۳۸۷: ۱۰۰). بردی برای تحقیقاتی که تطبیقی‌اند، چهار مرحله را مطرح نموده است که عبارت‌اند از:

توصیف^۲: پژوهشگر باید به توصیف موضوع تحقیق بپردازد و بر اساس شواهد و اطلاعاتی که از منابع مختلف چه از طریق مشاهده مستقیم و چه از طریق بررسی اسناد و مدارک به دست آورده است، پدیده مورد نظر را توصیف کند. (صادق‌زاده و رضانی، ۱۳۹۴: ۹۲)

تفسیر^۱: پژوهشگر مطالب و محتوایی را که در مرحله توصیف بیان نموده است را، بررسی می‌نماید.

1. Bready
2. Description

هم‌جواری^۲: مطالب و اطلاعاتی که از مرحله توصیف و تفسیر به دست آمده‌اند، طبقه‌بندی خواهند شد تا بتوان در مرحله بعد این اطلاعات را مورد مقایسه قرار داد و شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود را بررسی نمود.

مقایسه^۳: در پایان مسئله پژوهش دقیقاً مورد بررسی قرار می‌گیرد و تشابهات و تفاوت‌های موضوع مورد پژوهش تحلیل می‌شود (آقازاده، ۱۳۸۱).

به جهت پاسخگویی به سؤالات پژوهش، و هم‌سویی محتوای پژوهش، با روش تحقیق مورد نظر، ابتدا رویکرد وجودی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و سپس به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در رویکرد وجودی و مبانی روان‌شناختی سند تحول بنیادین پرداخته خواهد شد.

۲. بحث و بررسی

نگرش و دیدگاه درمان وجودی

رویکرد وجودگرایی، بیش از آنکه نظریه روان‌درمانی باشد، از دو دید مهم در فلسفه نشئت گرفته است. آن دو دیدگاه عبارت‌اند از: «نیچه و کرکگارد^۴» و «هوسرل^۵»، در دیدگاه اول، مباحث مهمی را در مورد ذهنیت بیان می‌شود و در دیدگاه دوم، به درک ما از محیط اطرافمان که حاصل شناخت‌ها و تجربیات ماست، می‌پردازد. فلاسفه دیگری چون هایدگر و سارتر تحت‌تأثیر نظریات هوسرل قرار داشتند و اعتقاد داشتند که حقیقت وجود، تجربه‌کردن لحظه اکنون و حال است. «اگر چه در این درمان از برخی فنون هم استفاده می‌شود؛ ولی بیشتر بر معضلات و درون‌مایه‌ها تأکید می‌شود، تا بر روش‌ها. روان‌درمانی وجودی عمدتاً نوعی نگرش نسبت به برخی مضامین محسوب می‌شود تا یک‌رشته فنون و روش‌ها. روان‌درمانی وجودی محصول کارهای فلاسفه اروپایی است» (شارف، ترجمه فیروزبخت، ۱۳۹۰: ۲۳۰)؛ لذا هدف درمان وجودی این است که به درمان‌جویان یاری نماید، به سمت اصالت پیش بروند. یکی از مشخصه‌های بارز رویکرد وجودی این است که افراد آزادی کامل را دارند تا از میان گزینه‌ها و انتخاب‌های موجود، دست به انتخاب

1. Interoperation

2. Juxtaposition

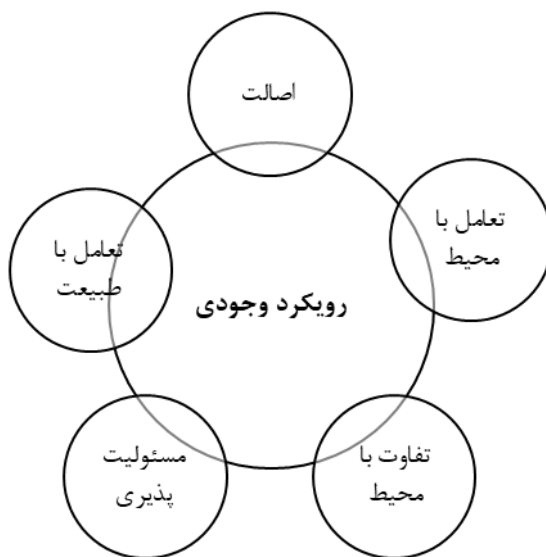
3. Comparison

4. Nietzsche and Kierkegaard

5. Husserl

منتخب خود بزند؛ بنابراین انسان‌ها در شکل‌دهی سرنوشت خود نقش بسزایی دارند. یکی دیگر از ویژگی‌های بارز رویکرد وجودی این است که خصیصه اصلی انسان، تلاش برای درک معنی و هدف در زندگی است و ما به‌عنوان انسان از این نظر منحصر به فرد هستیم که برای ساختن هدف و ارزش‌هایی که به زندگی معنی می‌دهند تلاش می‌کنیم. «درمان وجودی تابع بی‌همتا بودن فرد است. هیچ‌کس نمی‌تواند در هشیاری دیگری کاملاً سهیم باشد» (آستاد، به نقل از فیروز بخت، ۱۳۹۰: ۳۴۰) و از این‌رو زندگی ما، از طریق آزادی و احساس تعهد نسبت به تصمیماتی که گرفته‌ایم به وجود آمده است. این رویکرد، رویکرد پویایی است که بر چهار نگرانی اساسی؛ یعنی، مرگ، آزادی، تنهایی و بی‌معنایی که در وجود انسان ریشه دارند، می‌پردازد (نظری و ضرغامی، ۱۳۸۸: ۲۳۴). از منظر این رویکرد، انسان‌ها همواره علاقه‌مندند تا بی‌همتایی و یگانگی خود را حفظ کنند و درعین حال دوست دارند با موجودات دیگر و طبیعت ارتباط برقرار کنند، اما همواره این را نیز می‌دانند که به‌تنهایی باید به زندگی معنی بدهند. «وجودنگرها با دوگانه‌انگاری دکارتی که فرض می‌کند ذهن و بدن، تجربه و محیط، از هم جدا هستند مخالف‌اند. هستی و دنیا جدانشدنی هستند، زیرا هر دوی آنها توسط فرد آفریده شده‌اند. از نظر پدیداری دنیایی که با آن ارتباط داریم، برداشت خودمان است و بسته به اینکه تا چه اندازه‌ای سنتی باشیم، کم‌وبیش برداشت ما از دیگران را منعکس می‌کند» (پروچاسکا، ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۹: ۱۸۰). رویکرد وجودی در حوزه روان‌شناسی به‌عنوان وضعیتی مشترک برای همه افراد بدون توجه به فرهنگ، مذهب قومیت و نژاد به مسائل عمیق و محوری همچون: تنهایی، بی‌معنایی، مرگ و آزادی می‌پردازد (ادو و همکاران، ۲۰۱۱).^۱ رولومی، به‌عنوان یکی از صاحب‌نظران برجسته این رویکرد، برای توصیف انسانیت از عبارت «من هستم» استفاده می‌نماید. به نظر او، گفتن «من هستم» و تجربه واقعی آن، شرط اصلی حل مشکل آدمی است. «به نظر می‌تواند تجربه «من هستم» مثل ایگوی فاعل در یک رابطه فاعل و مفعولی نیست؛ بلکه معنایش این است که «من موجودی هستم که می‌تواند خودش را فاعل وقایع بداند، پس تجربه «بودن» با رشد و تحول ایگو فرق دارد. این یک تجربه هستی‌شناختی است که به علم بودن یا وجود یعنی هستی‌شناسی اشاره دارد» (شارف، ترجمه فیروز بخت، ۱۳۹۰)

در نتیجه، وظیفه اصلی درمانگر وجودی این است که درمان جویان را با وجود محدودشان مواجه ساخته، و به آن‌ها یاری نمایند تا از نقش خود در به وجود آوردن این وضعیت آگاه شوند. «وقتی که درمان جویان از عواملی در گذشته یا شکل‌های طاقت‌فرسای وجود فعلی خود آگاه شوند، می‌توانند مسئولیت تغییر دادن آینده خویش را قبول کنند» (کوری، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۹: ۳۲۴). نگارندگان در ادامه، در قالب شکل ۱، اهمّ مباحث موجود در رویکرد وجودی را به تصویر کشیده‌اند.



شکل ۱: رویکرد وجودی در یک نگاه

شکل شماره ۱ بیان می‌کند که از جمله موارد مورد تأکید در درمان وجودی عبارت‌اند از: تعامل شایسته‌ی انسان با محیط اطرافش، تعامل انسان با طبیعت، تفاوت حائز اهمیت انسان با محیط، مسئولیت‌پذیری انسان‌ها و اصالت داشتن انسان.

۱- مؤلفه‌های مبانی روان‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

تربیت رسمی و عمومی به دلیل اینکه مخاطبینش متریبانی هستند که در سنین‌های کودکی و نوجوانی‌اند، بایستی با مباحث علمی مربوط به مراحل رشد و خصوصیات هر دوره سروکار داشته باشد؛ زیرا شناخت واقعیت‌های روان‌شناختی فراگیران سبب برقراری

مناسب و عقلانی آموزش در تربیت رسمی و عمومی خواهد شد. در ذیل، مؤلفه‌های مبانی روان‌شناختی سند تحول بنیادین بیان شده‌اند:

۲-۱- آدمی تحت تأثیر تعامل پیچیده و تأثیر متقابل عوامل درونی (طبیعت و فطرت)، عوامل بیرونی (محیط) و تجربیات خویش است.

انسان‌ها، علی‌رغم تأثیرپذیری از عامل درونی و بیرونی، در نهایت خودشان عامل تعیین‌کننده شکل‌گیری هویت و شخصیت خود هستند؛ لذا، تمامی خصوصیات پیچیده افراد، محصول نهایی تعامل او با مجموعه‌ای از عوامل درونی و عوامل محیطی و... است. «اینک تردیدی نیست که نگاه افراطی و یا انحصاری به یکی از این دو دسته عوامل که بر نوعی نگرش فلسفی جبرگرایانه تکیه دارد، مردود است» (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۲۱۷).

۲-۲- آدمی، اساساً طبیعت فعال دارد.

منبع اساسی رشد در وجود آدمی تعبیه شده است. (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۲۱۸). به همین خاطر، افراد می‌کوشند جهت تحقق امکانات طبیعی و فطری وجود خود، با عوامل محیطی مشارکت فعال داشته باشند. این مشارکت در تمام طول عمر انسان‌ها جریان خواهد داشت؛ بنابراین، شایسته نیست انسان را صرفاً موجودی منفعل و پذیرنده که در اختیار محیط است، تصور کرد؛ از طرفی دیگر، این تصور نیز درست نیست که همه چیز به طور کامل از جانب فرد تعیین شود. پس تمامی امور و مسئولیت‌ها نه بر عهده عوامل بیرونی است و نه بر دوش فرد؛ لذا «واقعیت آن است که شرایط محیطی تا حد قابل توجهی بر تحولات آدمی تأثیر می‌گذارد» (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۲۱۸).

۲-۳- انسان‌ها در عین داشتن اشتراک در بسیاری خصوصیات، تفاوت‌های بین فردی و درون فردی قابل ملاحظه‌ای نیز با یکدیگر دارند.

تفاوت‌های فردی، از ترکیب تعامل بین عوامل درونی و بیرونی نشئت می‌گیرند؛ و در جنبه‌های مختلف شناختی، عاطفی، جسمانی، اجتماعی نمایان خواهند شد. میان افراد نیز در به‌کارگیری از ظرفیت‌های وجودی نیز تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد. «هریک از انسان‌ها (کودکان و نوجوانان) دنیایی مخصوص به خود دارند؛ اما با وجود این تفاوت‌های چشمگیر، در بین گروه‌های همانند (به لحاظ سن و مرحله رشد، جنسیت و...) شباهت‌های

معینی نیز دیده می‌شود» (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۲۱۸). این هم وجود دارد که در میان هر گروهی، عده‌ای وجود دارند که به سبب داشتن وجوه افتراق قابل ملاحظه، در توانایی‌ها و مسائل یادگیری، ملاحظات ویژه نیازمندند؛ لذا لازم برنامه‌ریزی مناسبی برای نیازهای این گروه پیش‌بینی شود؛ و تدابیر ویژه‌ای اندیشیده شود.

۴-۲- «رشد» آدمی نه صرفاً ناشی از محیط و نه صرفاً امری زیستی و تابع الگویی جهان‌شمول (کاملاً منطبق بر همه) است، بلکه ماهیتی منعطف و قابل‌شناسایی دارد.

همهٔ مراحل رشد در انسان‌ها بارزش و حائز اهمیت‌اند؛ لذا «رشد اگر چه دارای جنبه‌های کمی است، اما در نهایت امری کیفی است و به صورت جریانی مستمر و مرحله به مرحله شکل می‌گیرد؛ عالی‌ترین آن، رشد هماهنگ و موزون ابعاد مختلف و ظرفیت‌های وجودی اوست» (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۲۱۹)؛ لذا، می‌شود اینگونه بیان نمود که در جریان رشد انعطاف و پویایی نیز دیده می‌شود.

۵-۲- یادگیری یکی از ظرفیت‌های وجودی آدمی و منشأ اصلی بسیاری از تحولات در ابعاد وجودی اوست.

یادگیری، محصولی است از، تعامل طبیعت، عوامل محیطی تجربیات فردی، مادی و فرهنگی و اراده و عمل. عوامل اجتماعی نیز در امر یادگیری مؤثراند؛ به طوری که «یادگیری نه در خلأ که در محیط اجتماعی رخ می‌دهد و عوامل اجتماعی در آن نقشی تعیین‌کننده دارند» (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۲۱۹). از آنجایی که یادگیری در تمامی مراحل همراه آدمی است؛ لذا آدمی می‌تواند به واسطه‌ی آن، در تمامی مراحل زندگی تغییر یابد و دگرگون شود.

۶-۲- شخصیت (هویت)، ترکیبی پیچیده، پویا و حاصل تعامل اراده فرد با عوامل زیستی، اجتماعی، فرهنگی، شناختی و روانی است.

شخصیت افراد از ابعاد متفاوتی تشکیل شده‌است. اما با این حال، از وحدتی یکپارچه برخوردار است؛ بنابراین، «همواره بین جنبه‌های جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و معنوی هویت انسان ارتباط و پیوستگی عمیق و ژرفی وجود دارد (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۲۱۹).

۲-۷- انگیزش و میل درونی بر پایه شناخت و اراده از مبادی مهم عمل آدمی است؛ لذا، توجه مناسب به انگیزه اعمال، جایگاه خاصی در حیات وی دارد.

نظریات روان‌شناختی اهمیت فراوانی، برای عوامل شکل‌گیری عمل، قائل هستند؛ که از آن تحت عنوان انگیزش یاد می‌کنند. در مبانی نظری تربیت رسمی و عمومی شاهد گزاره‌های ذیل در مورد انگیزش هستیم: (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۲۱۹).

• انگیزش متأثر از هدف انسان و نحوه شناخت آدمی از آن است؛ و انگیزش تحت تأثیر روابط فردی و هویت انسان است؛

• انگیزش تحت تأثیر خودپنداره انسان (تلقی مثبت یا منفی آدمی از خویش است؛

• تأکید زیاد بر انگیزه‌های بیرونی عوامل تقویت‌کننده، الگوها موجب غفلت از منابع سرشار انگیزنده‌های درونی می‌شود؛

• در انگیزش، کیفیت رفتار، تحت تأثیر قدرت تفکر و انتخاب و مسئولیت‌پذیری فرد است.

در ادامه، اهم مضامین رویکرد وجودی و مبانی روان‌شناختی تربیت رسمی و عمومی در قالب شکل ۲، بیان شده است:



شکل ۲: مهم‌ترین مضامین روان‌شناختی موجود در رویکرد وجودی و مبانی روان‌شناختی تربیت رسمی و عمومی

۲- بازیابی شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود میان درمان وجودی و مبانی روان‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

در این بخش تفاوت‌ها و شباهت‌های میان درمان وجودی و مبانی روان‌شناختی تربیت رسمی و عمومی در سند تحول بنیادین، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد:

۱-۳- شباهت‌ها

دیدگاه‌های مذکور، تعامل با محیط را جزو لاینفک زندگی هر فردی بشمار می‌آورند؛ به‌گونه‌ای که فرد بدون عمل با طبیعت و محیط معنایی ندارد و جهت رسیدن به تحولات وجودی، این تعامل ضروری است. از یک‌سو رویکرد وجودی بیان می‌نماید که افراد، در عین بی‌همتایی، به برقراری رابطه با محیط علاقه دارند؛ و از سوی دیگر در مبانی روان‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین بیان شده است که انسان‌ها با محیط و جامعه تعامل دارند. «ما در تعامل با محیط ناگزیریم و نمی‌توانیم آن را نادیده بینگاریم» (مبانی نظری سند تحول، ۱۳۹۰: ۲۲۱).

همان‌طور که رویکرد وجودی، یکی از ویژگی‌های برجسته افراد سالم را، علاقه‌مندی به محیط می‌داند، اما همواره تأکید می‌نماید که آدمی نیز باید به تنهایی، به زندگی معنی بدهند. در همین راستا، مبانی روان‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین نیز بیان می‌کند که، «آدمی، باوجود تأثیرپذیری از عامل درونی و بیرونی، در نهایت خود (شامل تفکر، اراده و عمل) عامل تعیین‌کننده شکل‌گیری هویت (شخصیت) است» (همان، ۱۳۹۰: ۲۱۷).

هدف درمان وجودی، کمک به درمان‌جویان جهت، رسیدن به سمت اصالت است. «بهترین گزینه، اصیل بودن است» (پروچاسکا، ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۹: ۱۵۹). مبانی روان‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین نیز به جد بر وجود تأکید شده است؛ و یادگیری را یکی از مهم‌ترین عوامل بر تحول وجودی آدمی به حساب می‌آورد و بیان می‌دارد که، «یادگیری یکی از ظرفیت‌های وجودی آدمی و منشأ اصلی بسیاری از تحولات در ابعاد وجودی اوست» (مبانی نظری سند تحول، ۱۳۹۰: ۲۱۹).

طبق مکتب وجودی، افراد در نهایت، خود مسئول سبک زندگی منتخب خود هستند و کوچک‌ترین تأثیری که انتخاب‌ها و تعاملشان، بر جامعه بگذارد بر عهده خودشان خواهد بود. همچنین مبانی روان‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین نیز بیان می‌دارد که، «کیفیت رفتار تحت تأثیر قدرت تفکر و انتخاب و مسئولیت‌پذیری فرد است» (مبانی نظری سند تحول، ۱۳۹۰: ۲۲۰).

۴- وجوه افتراق

دیدگاه وجودنگرها، به مضامینی چون: تنهایی، بی‌معنایی، مرگ و آزادی می‌پردازد؛ اما در مبانی روان‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین، تنها به مسئله آزادی انسان‌ها پرداخته شده است و از مسائلی چون تنهایی و مرگ و بی‌معنایی سخنی به میان نیامده است.

هدف، در مبانی روان‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین، رسیدن به حیات طیبه و تربیت دانش‌آموزانی سالم و صالح و تشکیل هویت متعالی مقصد‌نهایی افراد است. اما در رویکرد وجودی، هدف، رسیدن به اصالت و اصیل بودن انسان‌هاست.

مبانی روان‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین صراحتاً بیان نموده است که، توجه مناسب به انگیزه اعمال، جایگاه خاصی در حیات آدمی دارد، اما این امر در درمان وجودی، به کلی ذکر نشده است و انگیزه و انگیزش در این نوع از رویکرد جایگاهی ندارد.

در مبانی روان‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین بیان شده است که منبع اساسی رشد در وجود آدمی‌ست، و به مراحل رشد آدمی، توجه ویژه‌ای نموده است. اما درمان وجودی، به دلیل فلسفی بودن این درمان، دیدگاهی در خصوص مراحل رشد آدمی به چشم نمی‌خورد.

علیرغم آنکه هر دو دیدگاه به اهمیت تفاوت‌های فردی و منحصربودن آدمی توجه خاصی نموده‌اند، ولی درمان وجودی، توجه به افراد با تفاوت‌های چشمگیر در یادگیری را مد نظر خود قرار نداده است؛ حال آنکه، در مبانی روان‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین، تأکید خاصی به بررسی و مطالعه این گروه از انسان‌ها شده است و در اصل ۳-۳-۱ قید شده است که، برنامه‌ریزی مناسبی برای نیازهای این افراد شود.

شکل ۳ نقشه‌ای کلی از وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه‌های مذکور را نشان می‌دهد:

شباهت‌ها	تفاوت‌ها
تاکید بر تعامل دائمی انسان و محیط	تفاوت در دید نسبت به غایت انسان
تاکید بر منحصر بفرد بودن انسان‌ها	تفاوت در دیدگاه نسبت به رشد انسان
تاکید بر مسئولیت پذیری آدمیان	تفاوت در نگاه به انگیزش انسان
تاکید بر اهمیت وجود	تفاوت در برخی مضامین وجودی همچون: مرگ و تنهایی
تاکید بر بی‌همتابی فرد	تفاوت در دید نسبت با انسان‌های نا‌نساها؛ خاص .

شکل ۳: شباهت‌ها و تفاوت‌های درمان وجودی و مبانی روان‌شناختی تربیت رسمی و عمومی

۲. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی مبانی روان‌شناختی تربیت رسمی و عمومی از منظر رویکرد وجودی صورت پذیرفت؛ لذا در پاسخ به سوال اصلی پژوهش یعنی: «رابطه مبانی روان‌شناختی سند تحول بنیادین و درمان وجودی به چه شکلی است؟» باید بیان نمود که درمان وجودی هر انسانی را بی‌همتا می‌داند. در این تعامل با محیط جزو آزادی و اختیارات هر فردی است. حال آنکه تا چه اندازه، این تعامل در فردی محقق شود، به مسئولیت‌پذیری فرد بستگی دارد؛ اما این رویکرد تأکید می‌ورزد که شکل‌گیری شخصیت افراد، طبق اعمالی خود، با مسئولیت خود انجام نموده، شکل خواهد گرفت. در مبانی روان‌شناختی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز، به موضوع مراحل رشد دانش‌آموزان به‌عنوان مسئله‌ای مهم در سلامت روان دانش‌آموزان، از طریق تعامل سالم با محیط درونی و بیرونی، پرداخته شده است؛ بنابراین می‌توان گفت که در هر دو مبنای تعاملات فرد با خود و محیط توجه جدی شده است؛ و نیز هر دو بر اهمیت مسئول فرد در قبال تعاملات خود، تأکید خاصی دارند. به‌صورت کلی دیدگاه‌های مذکور، تعامل با جامعه

را جزو جدایی‌ناپذیر زندگی انسان‌ها می‌دانند. در دل این پاسخ، سوال بعدی پژوهش یعنی: «کدام مؤلفه از مبانی روان‌شناختی سند تحول بنیادین منطبق با درمان وجودی است؟» داده شد. اما می‌توان گفت علی‌رغم وجوه اشتراک میان این دو دیدگاه، وجوه افتراق اساسی نیز در آن‌ها وجود دارد. در این راستا اکنون در پاسخ به سوال آخر پژوهش یعنی: «چه وجوه افتراقی میان مبانی روان‌شناختی سند تحول بنیادین و درمان وجودی وجود دارد؟» باید بگوییم از سویی مسئله رشد و مراحل آن یکی از مواردی است که در مبانی روان‌شناختی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مهم تلقی می‌شود، و در درمان وجودی به طور خاص این مورد تأکید نشده است. همچنین طبق بررسی‌های به عمل آمده دیده شد که انگیزش و انگیزه آدمی در در مبانی روان‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین، جایگاه خاص را داراست و در درمان وجودی، انگیزه‌ی آدمی به‌نوعی، در پس اصالت وی مخفی‌ست. علاوه‌برآن، درمان وجودی نگاهی ویژه بر انسان‌های با توانایی‌های خاص ندارد و حال آنکه در مبانی روان‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین، بر پیش‌بینی این گروه از افراد، تأکید شده است. در انتها نیز دیده شد که در مبانی روان‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین، هدف غایی، رسیدن به هدایت طیبه است؛ اما درمان وجودی، هدف غایی را اصالت‌گرایی تلقی می‌نماید. همچنین علیرغم دیدگاه وجودی، مبنی بر اینکه، دیدگاه وجودی، برای تمامی افراد است، به افراد دارای ویژگی‌های خاص به اندازه‌ی مبانی روان‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین توجه نشده است. به نظر می‌رسد دیدگاه‌های مطرح شده در سند و مؤلفه‌های درمان وجودی، پیرامون مبانی روان‌شناختی، مکمل خوبی برای یکدیگر باشند؛ در این راستا، نتایج این قبیل مطالعات می‌توانند در ارزیابی و بازنگری مبانی تربیت روان‌شناختی سند تحول بنیادین بر اساس آرای نظریات درمان‌درمانی از قبیل وجودی، و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن، مورد بهره‌برداری قرار گیرند، می‌تواند موجب نگاهی علمی به این اسناد شود و ضمن کمک به پرورش دانش‌آموزانی سالم و سرزنده منطبق بر مبانی نظری سند تحول بنیادین جمهوری اسلامی ایران، افق‌های تازه‌ای را پیش‌روی صاحب‌نظران تعلیم و تربیت قرار دهد. باتوجه‌به اینکه پژوهش حاضر و استفاده از درمان وجودی در مطالعه مبانی روان‌شناختی تربیت رسمی و عمومی به نوبه خود یک نوآوری در مطالعات مربوط به سند تحول است؛ پیشنهاد می‌گردد مسائل تربیتی نیز در چارچوب این رویکرد بررسی گردند. باتوجه‌به اینکه نظریه‌های روان‌درمانی، نقش مهمی در سلامت روان

انسان‌ها دارند، لذا توجه به آن‌ها و مطالعات بین‌رشته‌ای می‌تواند افق‌های تازه‌ای را پیش‌روی صاحب‌نظران تعلیم و تربیت قرار دهد. نظریات دیگری چون مراجع‌محوری کارل راجرز و گشتالت‌درمانی فریک پرلز نیز به مسئله محیط توجه نموده‌اند؛ لذا بررسی تطبیقی مبنای روان‌شناختی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با این دو دیدگاه نیز می‌تواند اطلاعات و نتایج مفیدی را در اختیار معلمان و صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت قرار دهد. پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌های دیگری در زمینه مبانی حقوقی و سیاسی - اجتماعی مبانی تربیت رسمی و عمومی سند نیز صورت گیرد.

منابع

- آستاد، کارول شاو (۱۳۹۰). «نظریه‌های روان‌درمانی و مشاوره»، ترجمه مهرداد فیروز بخت، تهران: ویرایش.
- پروچاسکا، جیمز؛ نورکراس، جان (۱۳۹۹). «نظریه‌های روان‌درمانی (نظام‌های روان‌درمانی): تحلیل میان‌نظری»، مترجم: سید محمدی، یحیی، تهران: نشر روان.
- شارف، ریچارد (۱۳۹۰). «نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی»، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: رسا.
- شاملو، حمیدرضا (۱۳۹۰). «بهداشت روان و مدارس». سایت بلاگفا.
- کری، جرالده (۱۳۸۹). «نظریه و کاربرست مشاوره و روان‌درمانی»، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: ارسباران.
- گلادینگ، ساموئل (۱۴۰۰). «اصول و مبانی مشاوره»، مترجم: حمزه گنجی، ویراست هفتم، تهران: ساوالان.
- نانکلی، یاسر، میرزامحمدی، محمدحسن، ایمانی، محسن (۱۴۰۰). «تبیین تربیت اجتماعی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و تحلیل آن بر اساس نظریه تربیت اجتماعی فارابی»، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی (52) 29. ۲۱۵ - ۲۵۵.
- نظری، علی محمد، م؛ ضرغامی، سعید (۱۳۸۸). «روان‌درمانی وجودی (درمان فردی و گروهی)». تهران: پازینه.
- وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۰). «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی جمهوری اسلامی ایران»: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- Udo, C. Melin-Johansson, CH. Danielson, E.(2011).Existential Issues Among Health Care STAFF in Surgical Cancer Care Discussions in Supervision Sessions European Journal of Oncology Nursing 15 : 447-453